

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

غضب خدا

ناشی از خشم صدیقه کبری^{علیها السلام}

۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۸

۱۸ جماد الاول ۱۴۳۰

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است



« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

تفقه در دین، راه رستگاری

در جلسه گذشته ذیل آیه سی و دو از سوره شوری به روایتی که فخررازی از زمخشری^(۱) نقل می‌نماید، اشاره نمودیم و آن را مورد بحث و بررسی قرار دادیم و در پایان چند سؤال را به عنوان نقد سخنان فخررازی، مطرح نمودیم .

آنچه که در استفاده از آیات و روایات مهم می‌باشد، این است که گفتگو در مورد آیات و روایات باید همراه با تعمق و تفکر باشد و به اصطلاح با تفقه در آیات و روایات سخن بگوییم تا بتوانیم نتایج مهمی را به دست بیاوریم. اساس تعلیمات دین مبین اسلام قرآن مجید می‌باشد. خداوند سبحان در قرآن مجید می‌فرماید:

﴿ وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ ﴾^(۲) .

۱- فخررازی در بین اهل سنت در علوم عقلی و زمخشری در فنون ادب و سخنوری بی‌نظیر می‌باشند.

۲- سوره توبه، آیه ۱۲۲.

شایسته نیست، مؤمنان همگی (به سوی جهاد) کوچ کنند، چرا از هر گروهی، طایفه‌ای از آنان کوچ نمی‌کند (و طایفه‌ای بماند) تا در دین (ومعارف و احکام اسلام) آگاهی پیدا کنند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود آنها را انداز نمایند تا بترسند و خودداری کنند.

بنابر آیه مذکور، خداوند متعال، عده‌ای را مأمور می‌کند که در دین تفقه کرده و نتیجه آن را برای مردم بازگو نمایند. در نتیجه تنها مرجعی که می‌تواند در مسائل دینی اظهار نظر نماید، فقیه می‌باشد؛ گرچه امروزه افرادی غیر فقیه، اظهار نظر نابجا در دین نموده و موجب گمراه شدن مردم می‌گردند.

با مراجعه به کتب لغت به این نتیجه می‌رسیم که فقه مترادف با فهم می‌باشد ولی اهل لغت می‌گویند: فقه مرتبه‌ای بالاتر از فهم بوده و اخصّ از علم است^(۱)؛ به این معنی که هر کسی می‌تواند مطالبی را فهمیده و مورد بحث و بررسی قرار دهد ولی دریافت‌ها متفاوت می‌باشد. به عنوان مثال، انسان عالم و دانا، ظاهر را نگریسته و بر اساس آن حکم می‌کند، اما فقیه کسی است که مطالب را از ریشه و عمق استنباط می‌کند. پس رسیدن به درجه فقاقت در هر رشته‌ای به معنای به دست آوردن ریشه مطالب آن رشته می‌باشد^(۲).

خداوند متعال در آیه دیگر دین را فقط اسلام می‌داند گویا ادیان دیگر دین شمردن نمی‌شوند.

۱- مفردات الفاظ القرآن، صفحه ۳۹۸ و لسان العرب، جلد ۱۳ صفحه ۵۲۲.
 ۲- آنچه که از طلاب علوم دینی نیز انتظار می‌رود این است که به ظاهر اکتفا نکنند و بعد از گذراندن مدت کوتاهی از تحصیل، خود را همانند شیخ انصاری رحمته الله ... ندانند بلکه سعی کنند با داشتن زیربنای علمی محکم و بی‌ادعا به ترویج فرهنگ تشیع بپردازند.

﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾^(۱).

دین در نزد خداوند اسلام است.

و در آیه دیگر می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾^(۲).

و هر کسی جز اسلام، آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد، و او در آخرت، از زیانکاران است.

با ضمیمه این دو آیه با آیه شریفه‌ای که ذکر گردید به این نتیجه می‌رسیم که اگر دین را که همان اسلام است به صورت صحیح دریافت نمایم و در آن تفقه نکنیم در شمار کفار قرار می‌گیریم، زیرا خسران و زیان مسلمانان را در بر نمی‌گیرد بلکه شامل کفار می‌شود.

پس از بیان مقدمه فوق، براساس دستور خداوند سبحان قصد داریم آیه سی و دو سوره شوری را مورد تفقه قرار دهیم. چرا رسول الله ﷺ پس از همه زحماتی که برای رسالت متحمل می‌شوند، به پیروان خود می‌فرمایند: در برابر همه زحماتی که کشیدم، هیچ اجر و مزدی نمی‌خواهم مگر دوستی و محبت نسبت به خاندانم؟! واقعاً محبت اهل بیت پیامبر ﷺ چه کیمیا، گوهر و اکسیر گران‌بهایی است که با اجر رسالت برابری می‌کند؟! آیا عقول قاصر ما توان درک این مطلب را دارد که چگونه رسالت پیامبر ﷺ با تمام سنگینی‌های خود، در

۱ - سوره آل عمران، آیه ۱۹.

۲ - سوره آل عمران، آیه ۸۵.

کفّهای از ترازو قرار داده شود و در کفّه دیگر محبت اهل بیت پیامبر ﷺ؟

این سخنان در مورد رسالت یک پیامبر عادی نیست، بلکه سخن در مورد رسالتی است که با رسالت تمام انبیاء پیشین ﷺ تفاوت دارد. با دقت در کتب تاریخی به این نتیجه می‌رسیم که برخی از پیامبران رسالت داشتند، تنها قوم خود را هدایت نمایند. بعضی دیگر، پیامبر یک شهر یا منطقه‌ای محسوب می‌شدند. بعضی دیگر وظیفه ابلاغ و پیام آوری یک نسل و یا یک قرن را به عهده داشته‌اند؛ ولی پیامبر اسلام ﷺ رسالتی جهانی داشتند. ایشان همان کسی هستند که سید المرسلین و خاتم النبیین لقب گرفته‌اند، پس رسالت ایشان عظیم و گران بها می‌باشد. رسالت ایشان با رسالت پیامبری همچون حضرت یونس علیّه السلام تفاوت دارد. زمانی که حضرت یونس علیّه السلام به خاطر نافرمانی امت با آنها قهر کرده و از آن شهر بیرون آمدند بعد از اتفاقاتی بازگشته و همان امت به ایشان ایمان آوردند. آیا مشکلات و سختی‌های پیامبر خاتم ﷺ با مشکلات پیامبری همچون حضرت عیسی علیّه السلام که به زعم مسیحیان او را به دار آویختند، یا با مشکلات پیامبری همچون حضرت ابراهیم علیّه السلام که او را در آتش افکندند، قابل مقایسه است؟ با مراجعه به کتب تاریخ و روایی، چنین مقایسه‌ای بعید به نظر می‌رسد زیرا پیامبر خاتم ﷺ فرمودند:

«ما أودى نبيّ مثل ما أوديت»^(۱).

هیچ پیامبری همانند من اذیت و آزار ندید.

۱- بحارالأنوار، جلد ۳۹ صفحه ۵۶، از منابع اهل سنت: كنز العمال، جلد ۳ صفحه ۱۳۰ و تفسیر فخررازی، جلد ۴ صفحه ۱۷۵.

بنابراین رسول الله ﷺ در راه ابلاغ رسالت الهی بالاترین سختی‌ها و مشقت‌ها را تحمّل نمودند.

جایگاه دشمن اهل بیت ﷺ

در ادامه تفقه در آیه شریف به کلمه ذوی القربی می‌رسیم. در جلسه گذشته^(۱) مصادیق قطعی و یقینی آل را طبق نقل منابع اهل سنت بیان نمودیم و به این نتیجه رسیدیم که ذوی القربی همان امیرمؤمنان علی رضی الله عنه، حضرت زهرا رضی الله عنها و امام مجتبی و امام سیدالشهدا رضی الله عنهما می‌باشند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند:

«إنَّ الله جعل أجري عليكم المودة في أهل بيتي وإني سائلكم عنهم غداً»^(۲).

همانا خداوند متعال اجر من را دوستی اهل بیتم قرار داد و من در روز قیامت در آن مورد از شما سؤال می‌کنم.

اگر انسان، کارگری را جهت انجام کاری اجیر کند، باید مزد و اجر او را کامل بپردازد، در غیر این صورت این کارگر می‌تواند به مراجع قضایی شکایت کند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هم روز قیامت در محکمه الهی شاکی خواهند بود و از کسانی که به اهل بیت ایشان ظلم نمودند، شکایت می‌کنند. لذا در روایات فراوانی که شیعه و سنی نقل می‌نمایند، مبغض و دشمن اهل بیت رضی الله عنهم که همان ذوی القربی می‌باشند، مورد لعن و نفرین قرار گرفته‌اند.

۱- به جزوه شماره ۸۸، مراجعه نمایید.

۲- الغدير، جلد ۲ صفحه ۳۰۷، از منابع اهل سنت: ینابيع المودة، جلد ۱ صفحه ۳۱۶ و جواهر العقدين، جلد ۲ صفحه ۲۴۵ و الصواعق، صفحه ۱۰۲.

«عن جابر قال: جاء أعرابي إلى النبي ﷺ فقال: يا محمد ﷺ! أعرض عليّ الإسلام. فقال: تشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأنّ محمداً عبده ورسوله. قال: تسألني عليه أجراً؟ قال: لا إلا المودة في القربى. قال: قرباي أو قرباك؟ قال: قرباتي، قال: هات أبايعك، فعلى من لا يحبّك ولا يحبّ قرباك لعنة الله قال ﷺ: آمين»^(۱).

جابر می‌گوید: مردی بادیه نشین نزد پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد: ای محمد ﷺ! اسلام را بر من عرضه کن. پیامبر ﷺ فرمودند: شهادت می‌دهی که خدایی جز خدای یگانه نیست و شریکی ندارد و محمد بنده و فرستاده اوست. مرد بادیه نشین عرض کرد: از من اجر و مزدی درخواست می‌کنی؟ پیامبر ﷺ فرمودند: اجر و مزدی به جز دوستی و محبت نزدیکان نمی‌خواهم. مرد بادیه نشین عرض کرد: نزدیکان من یا شما؟ پیامبر ﷺ فرمودند: نزدیکان من. آن مرد عرض کرد: بیا تا با تو بیعت کنم، پس لعنت خداوند بر کسی که شما و نزدیکانت را دوست ندارد. پیامبر ﷺ فرمودند: آمین.

در زمینه اهمیت و ارزش محبت اهل بیت علیهم السلام، اهل سنت روایات فراوانی را نقل می‌نمایند. در روایت دیگری پیامبر ﷺ فرمودند:

۱- نفحات الأزهار، جلد ۲۰ صفحه ۱۲۷؛ از منابع اهل سنت: شواهد التنزیل، جلد ۲ صفحه ۱۹۰ و کفاية الطالب، صفحه ۹۰.

«إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْأَنْبِيَاءَ مِنْ أَشْجَارٍ شَتَّىٰ وَخَلَقَنِي وَعَلِيًّا مِنْ شَجَرَةٍ
واحدة، فأنا أصلها وعليّ فرعها والحسن والحسين ثمارها
وأشباعنا أوراقها، فمن تعلّق بغصن من أغصانها نجى ومن زاع
هوى ولو أنّ عبداً عبداً لله عزّ وجلّ بين الصّفا والمروة ألف عام ثمّ
ألف عام ثمّ ألف عام ولم يدرك محبّتنا، لأكبّه الله على منخریه في
النّار ثمّ تلى: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾^(۱).
همانا خداوند متعال انبیاء را از ریشه‌ها و اصل‌های مختلفی
خلق نمود و من و علی [علیه‌السلام] را از اصل واحدی خلق نمود. من
اصل آن درخت هستم و علی [علیه‌السلام] فرع آن می‌باشد و حسن و
حسین نیز میوه‌های آن می‌باشند و شیعیان ما برگ‌های آن
می‌باشند. پس هر کسی که به شاخه‌ای از شاخه‌های آن
تمسّک بجوید، نجات می‌یابد و کسی که از آن دوری کند نابود
می‌شود. و اگر بنده‌ای خداوند متعال را سه هزار سال بین صفا
و مروه عبادت کند و محبّت ما را درک ننماید، خداوند متعال
او را با صورت در آتش می‌افکند، سپس تلاوت نمودند: بگو
من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز
دوست داشتن نزدیکانم.

دو روایت فوق طبق آیه قرآن مجید به تدبّر و تعمّق فراوان که همان تفقّه

۱- جامع احادیث الشیعة، جلد ۱ صفحه ۴۴۹ والغدير، جلد ۲ صفحه ۳۰۸، از منابع اهل
سنت: کفایة الطالب، صفحه ۱۷۸، شواهد التنزیل، جلد ۲ صفحه ۲۰۳ و تاریخ مدینه
دمشق، جلد ۴۱ صفحه ۳۳۵.

می‌باشد، نیازمند است. در روایت اخیر خواندیم که عبادت سه هزار سال، بدون محبت اهل بیت علیهم‌السلام نتیجه عکس می‌دهد. عبادت یک روز، یک سال و یک قرن مطرح نیست، بلکه سه هزار سال آن هم نه در هر مکانی مانند خانه‌ای که غصبی باشد یا مسجدی که با ریا ساخته شده باشد، بلکه در مکان مقدس و پاکیزه‌ای همچون صفا و مروه. نتیجه عبادتی که بدون محبت و مودت اهل بیت علیهم‌السلام به جای آورده شود چیزی جز جاودانگی در آتش نمی‌باشد. سؤال ما از فقهایمانند ابوحنیفه، شافعی، بخاری و... این است که آیا از این گونه روایات، وجوب تولی و تبری را استنباط نمی‌کنید؟ آیا مسئله‌ای به مهمی تولی و تبری، باید به راحتی فراموش شود؟ آیا این دو مسئله از مسائل مهم فقهی نمی‌باشد؟

فقهای اهل سنت در مورد تأخیر نماز عشا و صبح از زمان خودش روایاتی را نقل کرده و از آنها حدّ اقل کراهت را استنباط می‌نمایند، مانند این روایت که:

«ملعون ملعون من أخر العشاء [المغرب] حتى تشتبك النجوم»^(۱).

ملعون است ملعون، کسی که نماز عشا [مغرب] را تا پدیدار شدن ستاره‌ها به تأخیر بیاکند.

فقهای اهل سنت روایاتی مانند این روایت را نقل نموده و مورد تفرقه قرار می‌دهند و براساس آن حکمی را صادر می‌نمایند. مگر نه اینکه در روایاتی که ذکر نمودیم، آن فرد اعرابی مبغض اهل بیت علیهم‌السلام را لعنت نموده و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز آمین گفتند؟ آیا از این روایت، حکم فقهی وجوب تولی و تبری به دست

۱- وسائل الشیعه، جلد ۴ صفحه ۲۰۱، از منابع اهل سنت: المجموع، جلد ۳ صفحه ۳۵، المغنی ابن قدامه، جلد ۱ صفحه ۳۸۹. (با اندکی تفاوت)

نمی‌آید؟ اگر خود را فقیه می‌دانید پس باید در تمام روایاتی که نقل می‌نمایید، تفقه نمایید. آیا اینکه سه هزار سال عبادت انسانی نابود شده و نتیجه آن جاودانگی در آتش باشد، نیاز به تفکر و تفقه ندارد؟ آیا اهمیتی تویی و تبری کمتر از نماز است؟

اهل سنت به صحابه رسول الله ﷺ احترام فراوانی می‌کنند و در مورد مقام و جایگاه آنان روایاتی نقل می‌کنند، به عنوان نمونه روایت ذیل را در مورد صحابه، به رسول الله ﷺ منتسب می‌کنند:

« أصحابي كالنجوم بأيهم اقتديتم اهتديتم »^(۱).

یاران من مانند ستارگان می‌باشند به هر کدام از آنها که اقتدا کنید، هدایت می‌شوید^(۲).

صحابه‌ای که غرق در فساد و گناه بودند، به این صورت مورد احترام و تکریم قرار می‌گیرند، تا جایی که اگر کسی به حریم آنان تجاوز نموده و از آنان انتقاد نماید او را کافر می‌دانند، چنانچه در فتوای اخیر اهل سنت، شیعه را کافر دانسته‌اند، اما برخی از همین علمای اهل سنت در مورد فاطمه زهرا عليها السلام چه جنایات و بی‌احترامی‌هایی را که مرتکب نشده‌اند، در حالی که محبت و دوستی فاطمه زهرا عليها السلام به نص آیه قرآن مجید واجب است. آیا اهل سنت به آیه ذوی‌القربی و روایات ذیل آن توجه نکرده و در آنها تفقه نکرده‌اند؟ فرق این آیه و روایات و با آیات و روایات دیگر چیست که بعضی را مورد تفقه قرار می‌دهند و از

۱- از منابع اهل سنت: عمدة القاری، جلد ۱۰ صفحه ۲۰۲ و أضواء البیان، جلد ۷ صفحه ۳۱۷.
 ۲- در جلد دوم کتاب سیری در آیات ولایت و امامت، روایت فوق نقد و بررسی و کذب آن اثبات شده است.

کنار بعضی به سادگی عبور می‌کنند؟ مگر نه اینکه پیامبر ﷺ فرمودند: «إني سائلكم عنهم غداً»؟ اگر در دادگاه الهی از آنان سؤال شود که با فاطمه زهرا عليها السلام چه کردید، چه پاسخی دارند؟ روز قیامتی که شاکي فاطمه زهرا عليها السلام و پدر ارجمندشان پیامبر اکرم ﷺ بوده و قاضي آن دادگاه خداوند عادل است، چه پاسخی خواهند داشت؟

بخاری در صحیحش نقل می‌کند که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

«فاطمة بضعة مني فمن أغضبها أغضبني»^(۱).

فاطمه عليها السلام پاره تن من است کسی که او را خشمگین کند من را خشمگین کرده.

در حالی که بخاری تا جایی در نقل روایات احتیاط می‌کند که در نقل روایات از امام صادق عليه السلام خودداری می‌کند ولی این روایت را نقل کرده و ذهبی که از علمای برجسته حدیث و رجال اهل سنت است، این روایت را تصحیح می‌کند^(۲). اهل سنت در پاسخ به این همه بی‌احترامی‌ها نسبت به ساحت مقدس حضرت فاطمه زهرا عليها السلام، چه پاسخی خواهند داد؟

منشأ رضا و غضب در انسان‌ها

وقتی سخن از رضا و غضب پیش می‌آید آنچه که قابل دقت و تأمل می‌باشد این است که منشأ رضا و غضب در انسان‌ها چیست؟ و اساساً آیا حیوانات و نباتات نیز دارای قوه رضا و غضب هستند یا نه؟

۱ - از منابع اهل سنت: صحیح بخاری، جلد ۴ صفحه ۲۱۰ وعمدة القاری، جلد ۱۶ صفحه ۲۲۳.

۲ - سیر أعلام النبلاء، جلد ۲ صفحه ۱۱۸.

همه موجودات حتی نباتات دارای رضا و غضب می‌باشند. نباتات و گیاهان آنچه را که ملائم طبع خود می‌بینند، جذب می‌کنند و از آن راضی می‌شوند و آنچه را که منافر طبع خود می‌بینند، دفع کرده و از آن خشمگین می‌شوند. حیوانات نیز دارای قوه خشم، غضب و شهوت و ... می‌باشند. تفاوت بین رضا و غضب انسان‌ها و حیوانات در این است که رضا و غضب در حیوانات از شهوت آنان سرچشمه می‌گیرد اما در انسان‌ها می‌تواند از عقل باشد. حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«دعامة الإنسان العقل»^(۱).

ستون و پایه انسان، عقل اوست.

از طرفی انسان‌ها نیز مانند حیوانات غذا می‌خورند، آب می‌نوشند، استراحت می‌کنند و دارای غرائز جنسی می‌باشند پس تنها ما به الامتیاز انسان‌ها از حیوانات، همان عقل و قوه تفکر و تدبّر آنها می‌باشد.

پرسش این است که آیا انسانی را سراغ دارید که هر موقع (نه بعضی اوقات) خشمگین یا خشنود شود منشأ آن عقل و تدبّر باشد؟ معمولاً منشأ خشم و خشنودی انسان‌ها غرائز حیوانی می‌باشد، مثلاً انسان گرسنه اگر غذای او دیر آماده شود، خشمگین می‌شود. بی‌احترامی و بی‌ادبی از فردی که به او خدمت کرده باشیم، موجب ناراحتی و خشم ما می‌شود. معمولاً این‌گونه مسائل است که خشم انسان‌ها را بر می‌انگیزد، از طرف دیگر انسان بعضی مواقع با غذای خوب، سفره رنگین، اطعمه و اشربه خوشمزه مواجه می‌شود، اینجاست که شادمانی و

۱- کافی، جلد ۱ صفحه ۲۵.

رضایت خود را ابراز می‌کند. ولی اگر انسان به جایی برسد که خشم و رضای او ریشه‌ای جز عقل او که همان پایه و اساس انسانیت است، نداشته باشد، می‌تواند مبین انسانیت او باشد.

بعد از این مقدمه سودمند، به این نکته اشاره می‌کنیم که رضا و خشمی موجب تحسین است که ریشه و منشأ آن امری فراتر از عقل و تدبّر باشد؛ یعنی اموری که درک و فهم آن برای عقول ناقص ما محال باشد.

در بعضی اوقات انسان مشاهده می‌کند که به حریم مظلومی تجاوز شده در اینجاست که به کمک او می‌شتابد، یا انسان گرسنه‌ای را نجات می‌دهد. تمام این موارد به خاطر قوه عاقله و تدبّر اوست، ولی بعضی اوقات رضا و غضب انسانی به جایی می‌رسد که اراده و حرکت او فانی در اراده الهی می‌شود؛ به این معنی که جایی غضبناک می‌شود که غضب خدا را در آنجا می‌بیند یا در موردی خرسند می‌شود که خرسندی خداوند متعال را می‌بیند. مانند روایتی که سیدالشهدا علیه السلام می‌فرمایند: «رضی الله رضانا أهل البيت»^(۱).

رضایت خداوند همان رضایت و خوشنودی ما اهل بیت است. حضرت ابراهیم علیه السلام زمانی که رضایت خداوند را در قربانی فرزندش حضرت اسماعیل علیه السلام می‌بیند، به این کار تن می‌دهد و از آن خوشنود می‌باشد. حضرت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا از صبح تا بعد از ظهر هجده تن از نزدیکان خود را از دست می‌دهند ولی با این حال در آخرین لحظات زمانی که از زین اسب به زیر می‌افتند، می‌فرمایند:

۱- بحار الأنوار، جلد ۴۴ صفحه ۳۶۷ و مشیرالاحزان، صفحه ۲۹.

«إلهي رضا برضائك»^(۱).

بارالها! راضی و خشنود به رضای تو هستم.

این امور به سادگی قابل فهم نمی‌باشد، زیرا فنای اراده یک انسان در اراده الهی است و این همان مقام عصمت نبی الله خاتم^{صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ} می‌باشد.

عصمت حضرت زهرا^{عَلَيْهَا السَّلَام} بالاترین عصمت

عصمت خاتمیّه با عصمت ابراهیمیّه و عصمت یونسیّه قابل مقایسه نمی‌باشد.

عصمت یونسیّه در حدّی است که ایشان به درگاه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾^(۲).

منزهی تو، من از ستمکاران بودم.

همچنین عصمت یوسفیّه در حدّی است که وقتی با درخواست زن زیبا روی مواجه می‌شود، برهان پروردگار که همان مقام عصمت است، به فریاد او می‌رسد. قرآن ماجرا را چنین بیان می‌کند:

﴿وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ﴾^(۳).

آن زن قصد او را کرد، و او نیز - اگر برهان پروردگار رانمی دید - قصد وی را می‌نمود، اینچنین کردیم تا بدی و فحشا را از او دور سازیم چرا که او از بندگان مخلص ما بود.

۱ - من أخلاق الإمام الحسين ^{عَلَيْهِ السَّلَام}، صفحه ۱۴.

۲ - سورة انبیا، آیه ۸۷.

۳ - سورة یوسف، آیه ۲۴.

عصمتی که او داراست، در حدی است که وقتی خواب دو شخص زندانی را تعبیر نمود، از آن شخصی که آزاد شد، درخواست نمود نزد سلطان مصر او را معرفی نماید تا زمینه آزادی اش فراهم شود و به خاطر همین درخواست مدت دیگری در زندان ماند.

﴿وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِّنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنَسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ﴾^(۱).

و به آن یکی از آن دو که می دانست رهایی می یابد گفت: مرا نزد صاحب (سلطان مصر) یادآوری کن. ولی شیطان یادآوری او را نزد صاحبش از خاطر وی برد و به دنبال آن چند سال در زندان باقی ماند.

ولی آیا عصمت حضرت فاطمه علیها السلام نیز همانند انبیا پیشین علیهم السلام است؟ بعد از روشن شدن این مطالب، از فقهای اهل سنت به خصوص ذهبی و بخاری سؤال می کنیم: آیا روایتی که در مورد رضا و غضب حضرت فاطمه علیها السلام ذکر نموده اید را مورد تفقه قرار داده اید؟ آیا متوجه هستید که چه مطالبی را روایت می کنید؟ طبق مطالب قبلی رضا و غضب حضرت فاطمه علیها السلام از غرائز و حتی عقل سرچشمه نمی گیرد، بلکه منشأ و ریشه رضا و غضب حضرت فاطمه علیها السلام فوق عقل و توان فهم انسان ها می باشد. همچنین رضا و غضب حضرت فاطمه علیها السلام فانی در اراده الهی نمی باشد، بلکه برعکس، رضا و غضب خداوند سبحان فانی در رضا و غضب حضرت فاطمه علیها السلام می باشد. پس گویا عصمت حضرت فاطمه علیها السلام

۱ - سورة يوسف، آیه ۴۲.

فوق عصمت و نوع خاصی از عصمت می‌باشد؛ به همین جهت است که رسول الله ﷺ می‌فرمایند:

«إِنَّمَا سَمِيَتْ فَاطِمَةُ لِأَنَّ الْخَلْقَ فَطَمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا»^(۱).

ایشان به نام فاطمه نام‌گذاری شدند زیرا مخلوقات از شناخت ایشان عاجزند.

چنانچه ملاحظه می‌نمایید رسول الله ﷺ می‌فرمایند تمام خلایق نمی‌توانند مقام حضرت زهرا عليها السلام را درک کنند، نه تنها انسان‌ها بلکه هر چه که در این عالم به او خلق خدا می‌گویند، عاجز می‌باشد؛ یعنی حتی ملائکه الله را راهی به معرفت ساحت قدسی فاطمه عليها السلام نمی‌باشد.

لیلة الدفن، اندوه ابدی

امیرالمؤمنین عليه السلام در شبی که پیکر مطهر فاطمه عليها السلام را به خاک سپردند، هنگامی که به خانه خویش برگشتند و خانه را از فاطمه عليها السلام خالی دیدند صدا زدند:

«أَمَّا حَزَنِي فَسَرْمَدٌ وَأَمَّا لَيْلِي فَمَسْهَدٌ»^(۲).

پس از این اندوهم ابدی است و شبم با بیداری خواهد گذشت. گوینده این سخن، شخصی است که همه دنیا و آخرت نگین انگشتر اوست. کسی است که به اتفاق فریقین أعلم الناس، أفضی الناس، أفقه الناس، أفضل الناس و ... می‌باشد. خود ایشان در کلامی می‌فرمایند:

۱- بحار الأنوار، جلد ۴۳ صفحه ۶۵.

۲- نهج البلاغه، خطبة ۲۰۲.

«فلأنا بطرق السماء أعلم مَنِّي بطرق الأرض»^(۱).

من راه‌های آسمان را بهتر از راه‌های زمین می‌شناسم.

واقعاً بشریت چه گوهر گران‌بهایی را از دست داده است؟ امام صادق علیه السلام

می‌فرماید:

«وهي الصديقة الكبرى وعلى معرفتها دارت القرون الاولى»^(۲).

او صدیقه کبری است و گردش روزگارانِ نخستین، براساس

شناخت جایگاه ایشان بوده است.

حضرت امام حسین علیه السلام ماجرای لیلۃ الدفن را چنین بیان می‌کنند:

«أنَّ أمير المؤمنين عليه السلام غسل فاطمة ثلاثاً وخمساً وجعل في

الغسلة الخامسة الآخرة شيئاً من الكافور وأشعرها مئزراً سابغاً دون

الكفن... وهو يقول: اللهم إنَّها أمتك وبننت رسولك وصفيتك

وخيرتك من خلقك. اللهم لَقِّنْها حَجَّتْها وأعظم برهانها واعل

درجتها واجمع بينها وبين أبيها محمد صلى الله عليه وآله وسلم»^(۳).

امیرالمؤمنین علیه السلام فاطمه علیها السلام را سه مرتبه و پنج مرتبه غسل

نمودند. و در غسل پنجم که آخرین غسل بود مقداری کافور

ریختند. و برای ایشان مئزری (کفن سرتاسری) غیر از کفن

آماده نمودند. و فرمودند: خدایا فاطمه علیها السلام [کنیز تو و دختر

فرستاده تو و بهترین خلق تو می‌باشد. خدایا به ایشان حجت

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹.

۲- أمالی شیخ طوسی رحمته الله، صفحه ۶۶۸.

۳- بحار الأنوار، جلد ۷۸ صفحه ۳۰۹.

را القاء کن و برهان ایشان را عظیم بدار و درجه او را بلند مرتبه
قرار بده و او را در کنار پدرش محمد ﷺ قرار بده .

طبق نقل روایات، هنگامی که حضرت فاطمه علیها السلام وارد صحنه محشر
می‌شوند، به همه دستور می‌رسد که چشمان خود را از ناموس خدا و رسولش
بیپوشانید. وقتی که از ایشان علیها السلام درخواست می‌شود وارد بهشت شوند،
می‌فرمایند: حسن و حسین علیهم السلام من را بیاورید، گویا قصد دارند از قاتلان آنها
شکایت نموده و انتقام بگیرند^(۱). گویا امیرالمؤمنین علیه السلام به این لحظه نظر دارند و
دعا می‌کنند که خدایا در این زمان که فاطمه علیها السلام قصد دارند در صحنه محشر بر
قاتلان حسن و حسین علیهم السلام اقامه دلیل نمایند، ایشان را در اقامه دلیل و برهان
یاری نما. روایت دیگری ماجرای لیلۃ الدفن را مفصل بیان می‌کند، اما نکته‌ای
عجیب و زیبا در این روایت چشم‌ها را به سوی خود خیره می‌نماید و آن اینکه
شهادت حضرت فاطمه علیها السلام را به خروج از تاریکی و رفتن به سوی نور تشبیه
می‌کند:

«... فلَمَّا جَنَّ اللَّيْلُ غَسَّلَهَا عَلِيٌّ وَوَضَعَهَا عَلَى السَّرِيرِ وَقَالَ لِلْحَسَنِ:
أُدْعُ لِي أَبَاذَرَّ، فَدَعَاهُ فَحَمَلَاهُ إِلَى الْمَصَلِيِّ فَصَلَّى عَلَيْهَا ثُمَّ صَلَّى
رَكَعَتَيْنِ وَرَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ، فَنَادَى: هَذِهِ بِنْتُ نَبِيِّكَ فَاطِمَةُ
أَخْرَجْتَهَا مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ، فَأَضَاءَتْ الْأَرْضُ مِثْلَ فِي مِيلٍ»^(۲).
زمانی که تاریکی شب همه جا را فراگرفت. علی علیه السلام فاطمه را
غسل داده و ایشان را بر تختی قرار دادند و به امام حسن علیه السلام

۱- بحار الأنوار، جلد ۸ صفحه ۵۳.

۲- بحار الأنوار، جلد ۴۳ صفحه ۲۱۵.

فرمودند: اباذر را نزد من بیاور. امام حسن علیه السلام اباذر را فرا خواند. علی علیه السلام و اباذر فاطمه زهرا علیها السلام را به سوی مصلی بردند و علی علیه السلام بر ایشان نماز (نماز میت) خواندند. سپس دو رکعت نماز خوانده و دستان خود را به آسمان بلند کرده و صدا زدند: این دختر پیامبر تو، فاطمه علیها السلام می باشد که او را از ظلمات خارج و به سوی نور بردی. پس ناگهان زمین در اندازه وسیعی نورانی شد.

توجه در جمله «أخرجتها من الظلمات إلى النور» انسان را به نکته‌ای رهنمون می‌کند و آن اینکه ریشه خلقت فاطمه علیها السلام و روح و جوهر ایشان از نور الهی است. حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: خداوند ایشان را از نور عظمت خود، خلق نمود. «لأنَّ الله عزَّوجلَّ خلقها من نور عظمته»^(۱).

زیرا خداوند فاطمه زهرا علیها السلام [را از نور عظمت خویش آفرید. پس ایشان از جنس با ارزش و عظیمی همچون نور الهی می‌باشند و در روز قیامت به نور الهی باز می‌گردند. طبق سخنانی که در این جلسه و جلسه قبل مورد بحث و بررسی قرار دادیم، چند نکته روشن گردید:

۱. طبق منابع روایی معتبر از طریق اهل سنت به اثبات رسید که رضایت و غضب حضرت فاطمه علیها السلام همان رضایت و غضب خداوند متعال می‌باشد.
۲. طبق روایتی که بخاری از عایشه نقل نمود، حضرت فاطمه علیها السلام از عمل

۱- بحار الأنوار، جلد ۴۳ صفحه ۱۲.

ابوبکر ناراحت و غضبناک شده و تا زمان فوت خود دیگر با او صحبت نکرده و قهر نمودند^(۱).

با این دو نکته از علمای اهل سنت که ادعای فقاہت می‌کنند، سؤال می‌کنیم آیا غضب حضرت فاطمه علیها السلام نسبت به ابوبکر غضب خداوند را هم به دنبال داشت یا نه؟ مسلماً پاسخ این پرسش مثبت می‌باشد و سرنوشت کسی که غضب خداوند را برای خود خریده است، امری به غیر از خسران دنیوی و اخروی نمی‌باشد. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ﴾^(۲).

و هر کس که غضب من در او حلول کند به تحقیق نابود می‌شود. مگر اینکه کسی ادعا کند ما دو روایت بالا را نمی‌پذیریم، یا اینکه ادعا کند بر فرض صحت دو روایت، آیه قرآن را نمی‌پذیریم. البته پر واضح است که چنین ادعاهایی واضح البطلان می‌باشد.

نکته پایانی

اگر کسی به دور از هر گونه تعصب اعتقادی، به وصیت نامه حضرت زهرا علیها السلام توجه کند، تمام سخنان گذشته را تأیید می‌کند. اگر واقعاً هیچ‌گونه ظلم و تعدی نسبت به دخت گرامی نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نبود، چه معنایی دارد که ایشان در وصیت نامه خود از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درخواست نمایند که

۱- صحیح بخاری، جلد ۴ صفحه ۴۲ و مسند احمد، جلد ۱ صفحه ۶.

۲- سوره طه، آیه ۸۱.

«یا علی! غسّلی وکفّنی باللیل وصلّ علیّ وادفّنی باللیل»^(۱).

ای علی! مرا در شب غسل بده و کفن کن و در شب بر من نماز بگذار و مرا بخاک بسپار.

و در ادامه درخواست می‌کنند که آن دو مرد اعرابی بر من نماز نخوانند و هیچ کسی را از مکان قبر من آگاه نکن.

واقعاً دلیل این سفارش چیست؟ چرا اهل سنت تمام واقعات قطعی تاریخ را به خاطر اعتقاد واهی و سستی همچون عدالت صحابه، زیر سؤال می‌برند؟ تمام این سخنان ما را به مظلومیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام رهنمون می‌کند و بالاتر از آن، مظلومیت امیرالمؤمنین علیه السلام را نیز به اثبات می‌رساند؛ همان شخصی که فاتح خیبر، قاتل عمرو بن عبدود و شجاع‌ترین مرد عرب می‌باشد. ولی صحابه با او چه کردند که در خانه نشسته، زانو در بغل گرفته و همسر مظلومه ایشان پشت در می‌روند. روزگار با امیرالمؤمنین علیه السلام چه کرده که او را با دستانی بسته و کشان کشان به سوی مسجد بردند.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»

خودآزمایی

- ① کدام آیه قرآن مجید، مؤمنین را به تفقه در دین امر می‌کند؟
- ② فقه و تفقه به چه معنا می‌باشد؟ و چه کسانی حق اظهار نظر در دین دارند؟
- ③ براساس آیات قرآن مجید ثابت کنید، تنها دین مورد قبول خداوند اسلام است.
- ④ رسالت و عصمت رسول الله ﷺ با رسالت و عصمت انبیای دیگر ﷺ چه تفاوتی دارد؟
- ⑤ رسول الله ﷺ در قبال رسالت خویش چه پاداشی درخواست می‌کنند؟
- ⑥ رسول الله ﷺ در مورد دشمنان اهل بیت خود و کسانی که محبت آنان را در دل نداشته باشند، چه می‌فرمایند؟
- ⑦ با تفقه و تدبّر در آیه ۳۲ شوری به چه مطالبی دست می‌یابیم؟
- ⑧ خشم و خشنودی انسان‌ها بیشتر از چه مسائلی سرچشمه می‌گیرد؟
- ⑨ سرچشمه عصمت حضرت فاطمه ﷺ چیست؟ و تفاوت عصمت ایشان ﷺ با انبیا را بیان کنید؟
- ⑩ امیرالمؤمنین ﷺ پس از به خاک سپردن حضرت فاطمه ﷺ چه فرمودند و چه دعایی کردند؟
- ⑪ اهل سنت به علت چه دیدگاهی ظلم به حضرت زهرا ﷺ را ندیده می‌گیرند؟
- ⑫ آیا حضرت زهرا ﷺ از ابوبکر و عمر راضی بودند یا غضبناک؟ نتیجه چیست؟

۱. طبق منابع روایی معتبر از طریق اهل سنت به اثبات رسید که رضایت و غضب حضرت فاطمه علیها السلام همان رضایت و غضب خداوند متعال می باشد. ۲. طبق روایتی که بخاری از عایشه نقل نمود، حضرت فاطمه علیها السلام از عمل ابوبکر ناراحت و غضبناک شده و تا زمان فوت خود دیگر با او صحبت نکرده و قهر نمودند. با این دو نکته از علمای اهل سنت که ادعای فقاقت می کنند، سؤال می کنیم آیا غضب حضرت فاطمه علیها السلام نسبت به ابوبکر غضب خداوند را هم به دنبال داشت یا نه؟ مسلماً پاسخ این پرسش مثبت می باشد و سرنوشت کسی که غضب خداوند را برای خود خریده است، امری به غیر از خسران دنیوی و اخروی نمی باشد.

(صفحه ۲۰ از همین جزوه)

■ محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت:

ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.

■ شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می باشد.

■ در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

محل برگزاری جلسات:

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یشربی رحمته الله علیه

تلفن: ۴۴۴۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ - ۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

www.yasrebi.ir